



The role of civil society surveillance in prevention of economic crimes in Iran's criminal policy; challenges and requirements

Abbas Naghipour nasirabady¹ | Hassan Alipour² | Mohammadreza Zandi³

Mojgan Amrollahi byouki⁴

1. Corresponding Author: Ph.D. of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran. Email: abbasnaghipour.64@gmail.com
2. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Farabi Campus, University of Tehran, Qom, Iran. Email: hassan.alipour@ut.ac.ir
3. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Islamic Azad University, Central Tehran branch, Tehran, Iran. Email: dr.z.cyber@gmail.com
4. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran. Email: mojgan_amrollahi@yahoo.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Manuscript Received:

9 May 2023

Final revision received:

1 October 2023

Accepted:

8 October 2023

Published online:

26 February 2024

Keywords:

*Economic Crimes,
Prevention of Crime,
Social surveillance,
Participatory Criminal
Policy*

ABSTRACT

Facing the criminal phenomenon and controlling its rate requires the participation of society. Therefore, crime prevention that just applied from official institution alone cannot have an acceptable effect. The power of the community in the prevention of crimes has been taken into consideration by the countries in parallel with the government powers. This concept will have a most impact in relation to the preventive measures of monitoring especially about prevention of economic crimes. Because supervision in this area requires the presence of the supervisor in the ground of economic activities, and this will be too difficult without the participation of the community. The possibility of society's involvement in the prevention of economic crime through surveillance is highly dependent on the type of criminal policy approach to this issue. The fundamental issue of this research is to examine theoretical and practical bases for applying community supervision in order to prevent economic crimes in Iran's criminal policy. This research is based on available data and using method This letter, using the descriptive method has found that preventive surveillance based on Iran's criminal policy model is a government-owned tool, and this is one of the most important factors in the ineffectiveness of preventive surveillance measures against economic crimes in Iran. Therefore, the clear proposal of this research is a fundamental change in the approach of criminal policy to the supervisory capacities of society.

Cite this article: Naghipour nasirabady, Abbas; Alipour, Hassan; Zandi, Mohammadreza; Amrollahi byouki, Mojgan (2023) "The role of civil society surveillance in prevention of economic crimes in Iran's criminal policy; challenges and requirements", *Criminal Law and Criminology Studies*, 53 (2), 239-263, DOI:<https://doi.org/10.22059/JQCLCS.2023.358578.1838>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

<https://doi.org/10.22059/JQCLCS.2023.358578.1838>



جایگاه نظارت جامعه مدنی در پیشگیری از جرایم اقتصادی در سیاست جنایی

ایران؛ چالش‌ها و بایسته‌ها

- عباس نقی پور نصیرآبادی^۱ | حسن عالی پور^۲ | محمدرضا زندی^۳ | مژگان امرالهی بیوکی^۴
۱. نویسنده مسئول، دانش‌آموخته دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران. رایانامه: Abbasnaghpour.64@gmail.com
 ۲. استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران. رایانامه: hassan.alipour@ut.ac.ir
 ۳. استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران. رایانامه: dr.z.cyber@gmail.com
 ۴. استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران. رایانامه: mojan_amrolahi@yahoo.com

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۲/۱۹

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۲/۷/۹

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۲/۷/۱۶

تاریخ انتشار:

۱۴۰۲/۱۲/۷

کلیدواژه‌ها:

پیشگیری از جرم،

جرایم اقتصادی،

سیاست جنایی مشارکتی،

نظارت جامعه‌ی

مقابله با پدیده مجرمانه و کنترل نرخ آن مستلزم مشارکت جامعه است. تدابیر پیشگیرانه‌ای که از طریق نهادهای رسمی اعمال می‌شود، به‌تنهایی نمی‌تواند اثرگذاری قابل قبولی داشته باشد. از این رو امروزه توان و قدرت جامعه در پیشگیری از جرم به موازات ظرفیت‌های دولتی مورد توجه دولت‌ها قرار گرفته است. این امر در زمینه تدابیر پیشگیرانه نظارتی و به‌خصوص در ارتباط با پیشگیری از جرایم اقتصادی نمود بیشتری خواهد داشت، چراکه نظارت در این حوزه نیازمند حضور گسترده ناظر در بستر فعالیت‌های اقتصادی است و این امر بدون همکاری و مشارکت جامعه بسیار دشوار خواهد بود. امکان دخالت جامعه در پیشگیری از جرم اقتصادی از طریق نظارت، بسیار وابسته به نوع رویکرد سیاست جنایی به این مسئله است و پرسش بنیادین این پژوهش نیز از اینجا آغاز می‌شود که آیا بنیان‌های نظری و عملی لازم در سیاست جنایی ایران برای اعمال نظارت جامعه در راستای پیشگیری از جرایم اقتصادی وجود دارد؟ این پژوهش بر اساس داده‌های موجود و با استفاده از روش توصیفی به این نتیجه رسیده است که نظارت پیشگیرانه بر اساس مدل سیاست جنایی ایران، یک ابزار در انحصار دولت است و این خود از مهم‌ترین عوامل ناکارایی تدابیر نظارتی پیشگیرانه در قبال جرایم اقتصادی در ایران به‌شمار می‌آید. بنابراین پیشنهاد روشن این پژوهش نیز تغییر بنیادین رویکرد سیاست جنایی به ظرفیت‌های نظارتی جامعه است.

استناد: نقی پور نصیرآبادی، عباس؛ عالی پور، حسن؛ زندی، محمدرضا؛ امرالهی بیوکی، مژگان (۱۴۰۲). جایگاه نظارت جامعه مدنی در پیشگیری از جرایم اقتصادی در سیاست جنایی ایران؛ چالش‌ها و بایسته‌ها، *مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، ۲ (۵۳)، ۲۶۳-۲۳۹.

DOI: <https://doi.org/10.22059/JQCLCS.2023.358578.1838>



© نویسندگان

DOI: <https://doi.org/10.22059/JQCLCS.2023.358578.1838>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

در ایران قوانین و مقررات زیادی در خصوص نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی تصویب شده و تکالیفی نیز در این زمینه به نهادهای متعددی محول شده است. از جمله این نهادها می‌توان به سازمان بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات، بانک مرکزی، نهادهای امنیتی مانند وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، سازمان حسابرسی، شوراهای نظارتی اشاره کرد. اما با وجود چنین شبکه‌های عریض و طویل کنترل‌کننده، همواره نرخ این جرایم رو به افزایش است. بدیهی است که نحوه آرائه آمار و ارقام مربوط به جرایم اقتصادی به لحاظ دخالت اشخاص ذی‌نفع و صاحب موقعیت و همچنین آثاری که بر اعتماد عمومی بر جای خواهد گذاشت، تابعی از مصلحت‌اندیشی حاکمان در رابطه با امور داخلی و بین‌المللی است و بر این اساس آمار مرتبط با این امور چندان نمی‌تواند به لحاظ علمی قابل اتکا باشد. این امر در کنار رؤیت‌پذیری پایین جرایم اقتصادی موجب شده تا آرائه آمار دقیق از تعداد رفتارهای مجرمانه اقتصادی ممکن نباشد. با این حال با استناد به اخباری که از قوه قضاییه به صورت رسمی و غیررسمی منتشر می‌شود، همچنین بر اساس گزارش‌های مراجع بین‌المللی همچون سازمان بین‌المللی شفافیت^۱ می‌توان گفت نرخ ارتکاب فساد و جرایم اقتصادی در ایران همواره رو به افزایش بوده است که این امر حکایت از ناکارآمدی سیاست جنایی ایران در استفاده از تدابیر نظارتی به‌عنوان مهم‌ترین ابزار پیشگیری در مواجهه با جرایم اقتصادی دارد.

تدابیر متعدد و متنوعی برای اعمال نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی وجود دارد، اما روش اعمال و متولی آن می‌تواند متفاوت باشد. گاه نظارت از مبادی رسمی دولتی صورت می‌پذیرد. این نوع نظارت به سبب اینکه از موضع قدرت اعمال می‌شود، می‌تواند تا حد بسیاری پیشگیرانه باشد، اما همین وابستگی به حاکمیت نیز موجب می‌شود که نظارت رسمی از قدرت کافی برای پیشگیری از انحراف فعالیت‌های اقتصادی دولت یا نهادهای حاکمیتی برخوردار نباشد (نقی‌پور نصیرآبادی و عالی‌پور، ۱۴۰۱: ۲۷۵). همچنین نظارت می‌تواند از طریق مراجع غیررسمی مانند نهادهای جامعه‌ی و مردم صورت پذیرد. این نوع نظارت به سبب عدم دسترسی به ابزار رسمی جهت ورود و مداخله به جزئیات فعالیت‌های اقتصادی در حوزه خصوصی در بسیاری از موارد ناتوان از اعمال نظارت پیشگیرانه خواهد بود، اما به سبب ماهیت رابطه بین شهروندان و حاکمیت در حوزه حقوق

۱. بر اساس گزارش سازمان بین‌المللی شفافیت جایگاه ایران از منظر شاخص ادراک فساد در پنج سال گذشته همواره نزولی بوده است. در سال ۲۰۱۵ ایران از نظر شاخص ادراک فساد در بین ۱۸۰ کشور در رتبه ۱۳۰ قرار گرفته است. در سال ۲۰۱۶، ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ به ترتیب رتبه مذکور ۱۳۱، ۱۳۰ و ۱۳۸ بوده است. در سال ۲۰۱۹ رتبه ایران در این فهرست ۱۴۶ بوده که نسبت به گزارش پیش از آن ۸ پله سقوط داشته است. همچنین در گزارش ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ این نهاد بین‌المللی ایران با سه پله سقوط نسبت به سال ۲۰۱۹ در جایگاه ۱۴۹ و ۱۵۰ قرار گرفته که نشان می‌دهد ایران در مبارزه با فساد و جرایم اقتصادی موفق نبوده است (www.transparency.org/en/cpi).

عمومی، تا حد بسیاری می‌تواند از انحراف فعالیت‌های دولتی و حاکمیتی پیشگیری کند. به هر روی بسته به نوع نظام اقتصادی کشور (بسته یا باز) می‌توان با تقویت هریک از روش‌های مذکور نرخ ارتکاب جرایم اقتصادی را کاهش داد. تجمع نهاد نظارتی و نهاد مجری در یک ساختار واحد منتهی به فساد خواهد شد، از این‌رو هر ساختاری به‌منظور پیشگیری از انحراف نیازمند نظارت مستقل و بیرونی است. مادامی که دولت به عنوان یک بازیگر فاسد به عنوان مجری ضد فساد نیز نقش ایفا کند نمی‌تواند چشمگیری بر کاهش نرخ فساد و جرایم اقتصادی داشته باشد (ناصری و همکاران، ۱۴۰۰: ۹۳). بر این اساس در نظام اقتصادی که بر پایه نظام بسته بنا شده باشد و فعالیت‌های اقتصادی اغلب توسط نهادهای دولتی صورت پذیرد، باید نظارت جامعه‌ی را تقویت کرد و اگر نظام اقتصادی باز غلبه داشته باشد، نظارت رسمی اولویت خواهد داشت.

همان‌طور که گفته شد سیاست جنایی فعلی ایران در استفاده از تدابیر پیشگیرانه نظارتی در مواجهه با جرایم اقتصادی کارآمد نبوده است و این ناکارآمدی محدود به حوزه نظارت رسمی و دولتی نیست. از این‌رو در این نوشتار نقش نظارت اجتماعی در پیشگیری از جرم اقتصادی و رویکرد سیاست جنایی ایران نسبت به این تدبیر پیشگیرانه مورد توجه قرار گرفته است. بر این اساس این پژوهش بر آن است تا با توجه به ماهیت نظام اقتصادی ایران و از رهگذر آموزه‌های سیاست جنایی مشارکتی، رویکرد سیاست جنایی ایران در زمینه اتخاذ تدابیر پیشگیرانه جامعه‌ی در قبال جرایم اقتصادی را تبیین و با آسیب‌شناسی ساختارگرایانه آن امکان تقویت شیوه‌های نظارت پیشگیرانه جامعه‌ی را ارزیابی کند.

۲. نسبت نظارت اجتماعی و پیشگیری از جرم اقتصادی

سیاست جنایی مشارکتی یکی از انواع سیاست جنایی است که در آن بر مداخله جامعه در پاسخ‌دهی به پدیده جنایی در کنار نهادهای رسمی و دولتی تأکید دارد. «در سیاست جنایی مشارکتی اصل بر حضور فعال جامعه مدنی در مبارزه با پدیده جنایی است. شرکت مردم در سیاست جنایی به این معناست که امروزه پیشگیری و امنیت از اموری است که به همه مردم مربوط می‌شود. عده‌ای مشارکت دادن مردم در سیاست جنایی را انتقال وظیفه ناموجه دولت به شهروندان می‌دانند و برخی آن را مشارکت فعال مردم در ارتقای امنیت معرفی می‌کنند. به هر روی تضمین حق امنیت تنها از ترکیب موزون پیشگیری، مجازات و بازپذیری به‌وجود خواهد آمد که بنای سیاست جنایی مشارکتی نیز بر همین امر استوار است» (لازرز، ۱۳۹۵: ۱۶۵). بنابراین همراهی جامعه با نهادهای رسمی در پیشگیری از جرم به‌خودی‌خود امر مثبتی تلقی می‌شود. استفاده از ظرفیت سازمان‌های مردم نهاد در مواجهه با پدیده‌های مجرمانه یکی از مهم‌ترین جلوه‌های مشارکت جامعه در پیشگیری از جرم است که به‌طور گسترده‌ای در کشورها مورد

استقبال بوده است. همچنین آثار و نتایج همکاری آحاد جامعه با ضابطان در جهت پیشگیری از جرم، به وضوح نقش جامعه در کنترل نرخ جرم را نمایان می‌سازد (وحیدی و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۶). این امر در زمینه تدابیر پیشگیرانه نظارتی نمود بیشتری خواهد داشت، چراکه این امر نیازمند حضور گسترده ناظر در بستر موضوع تحت نظارت است و این نیز بدون همکاری و مشارکت جامعه بسیار دشوار خواهد بود.

زمانی که بحث از جرایمی همچون جرایم اقتصادی و فساد مطرح است، جلب مشارکت مدنی به‌سادگی ممکن نیست. فنی بودن جرایم اقتصادی و به تبع آن رؤیت‌پذیری پایین این جرایم موجب می‌شود عموم مردم توجه کافی به اشکال وقوع جرم و همچنین پیامدهای این پدیده جنایی نداشته باشند و به‌نوعی رفتار مجرمانه به‌عنوان یک مسئله جنایی از سوی مردم شناسایی نشود و از این حیث حساسیت کافی برای مداخله و مبارزه با آن وجود نداشته باشد. از طرف دیگر حضور و مداخله صاحبان قدرت و منصب در ارتکاب این جرایم سبب می‌شود تا جامعه اعتماد کافی برای همکاری با نهادهای رسمی و دولتی در مبارزه با جرم و اعمال تدابیر پیشگیرانه را نداشته باشد. از این‌رو صرف جلب مشارکت جامعه برای پیشگیری از جرم نمی‌تواند یک راهکار تلقی شود، بلکه می‌بایست ابتدا توجه جامعه را به مبارزه با جرایم اقتصادی جلب کرد و سپس با استفاده از تدابیر نظارتی مبتنی بر سیاست جنایی مشارکتی به پیشگیری از وقوع این جرایم پرداخت.

موضوع در زمینه فساد بسیار پیچیده‌تر نیز خواهد بود. برخی معتقدند فساد اقتصادی نتیجه بلافصل جرایم اقتصادی است و شیوع آن ارتباط مستقیم با شیوع جرایم اقتصادی دارد و برخی دقیقاً در نقطه مقابل قرار دارند و بر این باورند که جرایم اقتصادی نتیجه رفتارهای فسادانگیز است (نورزاد، ۱۳۸۹: ۱۰۳). به نظر می‌رسد می‌توان هر دو نظر را پذیرفت. در حقیقت موضوع اساسی وابستگی این دو پدیده مجرمانه به یکدیگر است. ویژگی‌هایی همچون کلان بودن رفتار مجرمانه یا گستردگی بستر ارتکاب جرم در جرایم اقتصادی، تحقق آن را منوط به همکاری اشخاص دارای قدرت در نهادها یا مراجع دولتی می‌کند و تحقق فساد نیز در گرو همکاری مجرمان اقتصادی در راستای تسهیل ارتکاب آن توسط مفسد اقتصادی است.

بنابراین پیشگیری از فساد یا جرم اقتصادی از طریق اعمال نظارت جامعه وابستگی بسیار به میزان نظارت‌پذیری حاکمیت دارد. در واقع این نکته که حاکمیت به چه میزان نظارت جامعه را مورد پذیرش قرار می‌دهد و چگونه موجبات آن را فراهم می‌سازد، نقطه ثقل اثرگذاری نظارت پیشگیرانه جامعه است. در رویکردی که در آن سیاستگذاران کشور، نظارت جامعه را در حوزه فساد پیشگیرانه می‌دانند، بی‌تردید موانع قانونی و اجرایی مشارکت جامعه در این زمینه کاهش خواهد یافت. اما مادامی که حاکمیت حق جامعه مبنی بر اعمال نظارت را به رسمیت نشناسد،

بدیهی است نرخ فساد یا جرم که برخاسته از بستر رسمی و دولتی است، افزایش خواهد یافت. رویکرد اخیر هرچند خواست افرادی است که نقش مهمی در اداره کشور دارند، اما بی‌تردید خواست جامعه نبوده و دوام چندانی نخواهد داشت. به عبارت دیگر جامعه اگر در شرایطی قرار گیرد که حق خود نسبت به نظارت بر اداره کشور را ازدست‌رفته ببیند و فساد فراگیر نظام‌مند و رسمی را شاهد باشد، به سمت اعتراض بلکه خشونت سوق می‌یابد. در سال ۲۰۱۳ در رومانی اعتراضاتی در زمینه محیط زیست شروع شد، ولی پس از مدتی این تجمعات از اعتراض محیط زیستی صرف به تجمع چشمگیر در اعتراض به فساد سیاسی و اقتصادی، عوام‌فریبی و ناکارآمدی دولت تبدیل شد. در پی این اعتراضات که در ابتدا به نحوه بهره‌برداری از معادن شکل گرفته بود، پس از مداومت مردم در اعتراض به مدت شش ماه در نهایت دولت مجبور به اصلاح مقررات شد. در این دوره بسیج مردمی شکل گرفته بود که در ۲۵ سال قبل از آن در رومانی بی‌سابقه بود و مردم فارغ از دیدگاه‌ها و قومیت‌ها در تغییر وضعیت موجود متحد و همصدا بودند. اعتراضات مشابه در کشورهای دیگر شرق اروپا همچون مجارستان و بلغارستان نیز اتفاق افتاد. هرچند هر کدام به لحاظ سیاسی و اجتماعی تفاوت‌هایی با یکدیگر داشتند، اما همگی در یک موضوع توافق داشتند و آن هم مبارزه با بی‌عدالتی اجتماعی و فساد دولت‌ها بود (Margarit, 2015: 64-67).

تجربه کشورهای شرق اروپا نشان می‌دهد که اگر شرایط برای اعمال نظارت جامعه و حضور آن در حوزه‌های سیاست‌گذاری فراهم نباشد، فضا برای ارتکاب جرایم گسترده اقتصادی و فساد کاملاً فراهم خواهد شد و به تبع آن با ایجاد بحران‌های اجتماعی کنترل‌نشده برای دولت‌ها، فرصت سیاست‌گذاری صحیح و بهنگام نیز از دست خواهد رفت. در این شرایط یا دولت به خواست مردم اصلاحات لازم را انجام خواهد داد و یا گریزی از فاجعه‌های خشونت‌بار نخواهد بود. بنابراین روشن است که پذیرش حق نظارت جامعه و همچنین فراهم کردن شرایط اعمال این حق در بستر اداره کشور از یک طرف موجب کنترل نرخ جرم اقتصادی و فساد خواهد شد و از طرف دیگر از ظهور بحران‌های اجتماعی و خشونت‌های ناشی از آن جلوگیری خواهد کرد.

بنابراین چنانکه گفته شد، اثرگذاری نظارت جامعه بر کنترل نرخ جرم اقتصادی منوط به پذیرش این تدبیر از سوی ساختار رسمی کشور است. نزدیک شدن نظارت جامعه به یک هنجار اجتماعی و پذیرش آن از سوی حاکمیت به عنوان یک ارزش، نقطه عطف اثرگذاری این تدبیر پیشگیرانه در زمینه همه جرایم است، اما اهمیت این موضوع در زمینه جرایم اقتصادی از این حیث شایان توجه است که ساختار رسمی و دولتی نیز در تحقق این دست از جرایم نقش دارد و بدیهی است که آرمان‌های پیش‌گفته دست‌کم در زمینه جرم اقتصادی یا فساد به‌سادگی محقق نخواهد شد. دولت‌هایی که از یک طرف نظارت جامعه را برنتابند و از طرف دیگر به عواقب اعتراضات گسترده مردمی واقف‌اند از چند طریق سعی در کنترل اوضاع می‌کنند. نخست

فساد و جرم اقتصادی را مسئله‌ای کم‌اهمیت جلوه می‌دهند، به‌نحوی که مردم در مواجهه با آن همان‌گونه عمل کنند که در خصوص جرایم مالی عمل می‌کنند یا با اعلام اخبار تحقق فسادهای پی‌درپی موضوع دستمایه طنز عمومی قرار گیرد. از طرف دیگر با القای انگیزه‌های مالی و ایجاد شرایط خاص مردم را در رفتارهای فسادزا مشارکت می‌دهند تا از این طریق نه تنها متعرض مرتکبان فساد نباشند، بلکه از وضع موجود رضایت‌مند نیز باشند. بدیهی است نتیجه این سیاست‌ها چیزی جز عدم نظارت جامعه و افزایش نرخ فساد و جرم اقتصادی نخواهد بود.

۳. رویکرد سیاست جنایی ایران در زمینه نظارت اجتماعی

نظارت یکی از روش‌های پیشگیری از جرم اقتصادی به‌شمار می‌رود و از این منظر می‌تواند موضوع سیاست جنایی قرار گیرد، لیکن رویکرد کشورهای مختلف از منظر سیاسی، حقوقی و همچنین مدل‌های سیاست جنایی که بر اساس آن نظام خود را سامان می‌دهند، می‌تواند متفاوت باشد. بنابراین تدابیر کنشی و یا واکنشی اتخاذشده در برابر پدیده مجرمانه متأثر از ویژگی‌های هر کشور نیز متفاوت خواهد بود. مدل‌های سیاست جنایی با دو نوع دولتی و جامعه‌ی شناخته می‌شوند. نمی‌توان به‌طور کلی نظام یک کشور را به‌صورت مطلق با یکی از این مدل‌های سیاست جنایی منطبق دانست، چراکه ممکن است به فراخور موضوع در هر بخشی مدل متفاوتی انتخاب شده باشد، البته تا حد زیادی به نوع نظام سیاسی هر کشور مرتبط است. میزان نظارت همگانی، میزان مشارکت جامعه در پاسخ به بزه یا انحراف و دیگر مؤلفه‌هایی که در تفکیک بین مدل‌های سیاست جنایی بیان می‌شود^۱، همگی به رویکرد نظام سیاسی حاکم به این موضوعات وابسته است.

اصالت حاکمیت جامعه، اصالت آزادی افراد در جامعه، اصالت برابری افراد از هر نظر و اصالت قانون چهار اصل مهم در تشخیص نوع حکومتی است که می‌تواند در تشخیص نوع مدل سیاست جنایی هر کشور تعیین‌کننده باشد. با بررسی قانون اساسی ایران تا حدی می‌توان رویکرد کلی نظام را در خصوص مدل کلی سیاست جنایی تبیین کرد. در اصول ۱، ۶، ۷، ۵۶ و ۵۹ قانون اساسی ایران اهمیت و جایگاه حاکمیت جامعه در نظام سیاسی تبیین شده است. به موجب اصل ۹ که یکی از اصول بسیار مترقی و حائز اهمیت قانون اساسی شناخته می‌شود نیز اصالت آزادی افراد مورد اشاره قرار گرفته است. مهم‌ترین اصل در قانون اساسی که به تساوی و برابری افراد اشاره می‌کند، اصل ۱۰۷ است که رهبر جامعه را در برابر قانون با همه آحاد ملت برابر می‌داند. اصالت قانون نیز در بسیاری از اصول قانون اساسی هویداست. «برخی اندیشمندان با توجه به

۱. ر.ک. دلماس مارتی، مری (۱۳۹۳)، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، برگردان: علی حسین نجفی ابرندآبادی، چ دوم، تهران: میزان.

مطالب فوق نظام سیاسی حاکم را نظام مردم‌سالار و مدل سیاست جنایی جاری در کشور را از نوع مردم‌سالار می‌دانند» (غلامی و رحمانی، ۱۳۹۶: ۲۶-۳۰).

قانون اساسی ایران ظرفیت‌های ویژه‌ای برای مردم‌سالاری دارد. اصول متعددی که به آن اشاره شد و نوع نظام سیاسی ایران (جمهوری اسلامی) فارغ از همه اختلاف‌نظرهای موجود در زمینه جمهوریت و فارغ از آنچه متولیان امر در مقام اجرا بدان معتقدند، امکان حضور جامعه در همه ابعاد را فراهم آورده است. اما همان‌طور که اشاره شد ممکن است دولت‌ها در همه موضوعات از یک مدل سیاست جنایی پیروی نکنند. با وجود همه مؤلفه‌های مردم‌سالاری موجود در نظام سیاسی، قوانین و مقررات متعددی نظارت در همه ابعاد را از اختیارات و وظایف حاکمیتی دولت قلمداد کرده است.^۱ در برخی موارد می‌توان نشانه‌هایی از مشارکت مردم در نظارت را در قوانین و مقررات یافت، لیکن این نشانه‌ها به اندازه‌ای نیستند که واقعیت رسمی بودن نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی را تغییر دهد. بنابراین به‌نظر می‌رسد با توجه به تعدد نهادهای نظارتی، امنیتی بودن برخی از این نهادها و اعطای حق نظارت به دولت به‌عنوان یک حق حاکمیتی و انحصاری بتوان گفت سیاست جنایی ایران در قبال نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی از مدل سیاست جنایی اقتدارگرا پیروی می‌کند. این بدین مفهوم است که حق جامعه نسبت به نظارت پیشگیرانه به‌صورت موردی و استثنا مشروعیت خواهد داشت.

نشانه‌هایی باید مشاهده شود تا بتوان گفت یک نظام حکمرانی ظرفیت لازم برای پذیرش نظارت اجتماعی را دارد. از جمله این نشانه‌ها می‌توان به وجود آژانس‌های نظارتی مستقل از ارکان رسمی دولت و تحت حمایت قانون با اختیارات گسترده اشاره کرد. در کشورهایی همچون هنگ‌کنگ و سنگاپور نقش این آژانس‌ها در کنترل فساد و جرم اقتصادی بسیار پررنگ بوده است (نقی‌پور نصیرآبادی، ۱۴۰۱: ۴۹). این در حالی است که در ایران همه نهادهای نظارتی که به موجب قوانین و مقررات تشکیل شده‌اند، نهادهایی با ماهیت دولتی و حاکمیتی‌اند. از طرف دیگر بدون امکان انتشار عمومی نتایج حاصل از نظارت، هیچ ثمری بر این تدبیر مترتب نخواهد بود. به بیان دیگر آنچه سبب می‌شود نظارت اجتماعی به‌عنوان یک تدبیر پیشگیرانه ثمربخش باشد، امکان دسترسی به اطلاعات و انتشار رسمی نتایج آن برای عموم است، بنابراین سانسور اطلاعات از مهم‌ترین موانع نظارت تلقی می‌شود و از این منظر میزان آزادی جریان اطلاعات را می‌توان به‌عنوان یکی دیگر از این قرائن معرفی کرد.

۱. ماده ۱۳۵ برنامه چهارم توسعه: نقش و وظایف دولت در حوزه‌های «امور حاکمیتی»، «امور تصدی‌های اجتماعی، فرهنگی و خدماتی»، «امور زیربنایی» و «امور تصدی‌های اقتصادی» تعریف و به شرح ذیل تنظیم گردد: الف) امور حاکمیتی: امور حاکمیتی دولت که تحقق آن موجب اقتدار حاکمیت کشور است و منافع آن بدون محدودیت شامل همه اقشار جامعه می‌گردد عبارت‌اند از: ۱. سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و نظارت در بخش‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.

آنچه در برخی قوانین مانند قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر در حمایت از نظارت جامعه آمده است نیز موجب نمی‌شود تا سیاست جنایی ایران را از دایره سیاست‌های جنایی اقتدارگرا در زمینه نظارت خارج کرد. همان‌طور که اشاره شد جرم اقتصادی و فساد با همکاری یا مشارکت اشخاص حاضر در ساختار رسمی قدرت صورت می‌پذیرد که اساساً شهروندان بدون حمایت قانون امکان دسترسی به اطلاعات اقتصادی آنها را ندارند. قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مهم‌ترین منبعی است که شهروندان می‌توانند با توسل به آن بر نهادهای رسمی نظارت کنند، اما در همین قانون بخشی به‌عنوان استثنائات دسترسی به اطلاعات وجود دارد که اسرار دولتی، حریم خصوصی و موارد مرتبط با سلامتی و اطلاعات تجاری را از دایره شمول قانون خارج کرده است. ماده ۱۷ قانون مذکور نیز متضمن این مطلب است که مؤسسات مشمول این قانون مکلف‌اند در مواردی که ارائه اطلاعات درخواست‌شده به اموری همچون امنیت و آسایش عمومی لطمه وارد می‌کند، از دادن آنها خودداری کنند، بنابراین روشن است که در ایران همواره قوانین در این زمینه دارای قیودی است که به وقت ایجاد مصلحتی که ساختار قدرت تشخیص دهد، دایره دخالت جامعه را تنگ کند.

اساساً بحث این نیست که دولت یا ارکان رسمی نظام حق نظارت ندارند که این امر از بدیهی‌ترین وظایف حاکمیت در حکمرانی مطلوب است، بلکه مسئله میزان دخالت مردم در این حوزه است. حاکمیت باید با توجه به نوع ساختار خود به‌خصوص در زمینه فعالیت‌های اقتصادی و در راستای پیشگیری از فساد منعطف عمل کند. اگر ارکان حاکمیت در اقتصاد و فعالیت‌های اقتصادی نقش کمتری داشته باشد، بی‌شک نقش نظارتی رسمی و پررنگ‌تری از ناحیه دولت قابل انتظار است و اگر اکثر نهادهای حاکمیتی درگیر در فعالیت‌های اقتصادی هستند باید حق نظارت وسیع‌تری را برای مردم قائل شد. ایران نظام اقتصادی کاملاً بسته است^۱ و به تبع حوزه ورود دولت به اقتصاد نیز بسیار گسترده است و با وجود آن حق نظارت مردم متناسب با آن مورد پذیرش قرار نگرفته است.^۲

بنابراین ضمن تأکید بر این نکته که نظارت بر جریان فعالیت‌های اقتصادی تکلیف هر دولت با هر نوع روش حکومت‌داری است، باید گفت صرف تصویب قوانین مبتنی بر به رسمیت شناختن نظارت عمومی نمی‌تواند دلیلی بر پذیرش نظارت جمعی توسط حاکمیت باشد، بلکه تناسب

۱. بر اساس گزارش سال ۲۰۲۲ بنیاد Heritage ایران با رتبه ۱۷۰ همراه با ۹ کشور دیگر از جمله کنگو و سیرالئون به‌عنوان کشورهایی با اقتصادی کاملاً بسته معرفی شده‌اند (Heritage /index, 2022).

۲. در موضوع مربوط به واگذاری املاک شهرداری تهران به اشخاص مشخص نخست خبرنگاری به نام یاشار سلطانی نسبت به انتشار فهرستی از املاک و افراد دریافت‌کننده منتشر کرد که در فهرست منتشرشده اسامی اشخاص شناخته‌شده‌ای به چشم می‌خورد. دادستان تهران اقدام به تعقیب نامبرده در زمینه انتشار فهرست مذکور کرده که در نهایت وی به مجازات حبس محکوم شد (<https://www.isna.ir/news/95081813177>).

میزان دخالت مردم در نظارت بر تمام ارکان حاکمیت با میزان دخالت آنها در فعالیت‌های اقتصادی است که می‌تواند تبیین‌کننده نوع رویکرد نظام حاکم به مقوله نظارت اجتماعی باشد.

۴. چالش‌های نظارت اجتماعی در سیاست جنایی اقتدارگرا

آنچه در حال حاضر در ایران مشاهده می‌شود این است که نهادهای نظارتی پس از ارتکاب جرم اقتصادی یا فساد توسط مرتکب و در واقع در مرحله کشف بزه ورود کرده و مرتکب را برای محاکمه به دستگاه قضایی معرفی می‌کنند. بدیهی است که کشف یک بزه با یک فراوانی شایان توجه به مفهوم ناکارآمدی تدابیر پیشگیرانه است، از این رو روشن است که سیاست جنایی ایران در زمینه نظارت پیشگیرانه جامعی با چالش جدی مواجه است و برای تبیین این چالش‌ها باید سیاستگذاری در این حوزه را مورد توجه قرار داد. از آنجا که این نوشتار بر نقش نظارت اجتماعی در پیشگیری از وقوع جرم اقتصادی متمرکز متمرکز است، از این رو در این مبحث با توجه به مدل سیاست جنایی ایران به چالش‌های سیاست جنایی ایران در این خصوص پرداخته خواهد شد.

۴.۱. سیاستگذاری امنیت‌محور

امنیت‌گرایی در سیاستگذاری جنایی به معنی استفاده از تمام ابزار در دسترس برای پاسخ به پدیده مجرمانه با هدف حفظ امنیت اجتماع و حاکمیت است. «نگرش افراطی به این مقوله به ایجاد شکاف بین مردم و حاکمیت و کاهش تعاملات این دو در راستای مقابله با پدیده‌های مجرمانه می‌انجامد. این رویکرد عموماً باعث می‌شود تا حاکمیت با توجیه ضرورت حفظ امنیت توجه چندانی به حقوق و آزادی‌های مشروع افراد جامعه نداشته باشد» (قناد و اکبری، ۱۳۹۶: ۴۲). نظام امنیت‌گرا در راستای مقابله حداکثری با هرگونه بزه‌ی که امنیت را مخدوش کند، بیشتر متوسل به جرم‌انگاری‌های وسیع و اعمال مجازات‌های سنگین می‌شود تا اینکه با استفاده از تدابیر پیشگیرانه فنی با وقوع بزه مبارزه کند.

آنچه در سیاستگذاری جنایی پیشگیرانه باید به‌عنوان هدف مورد توجه قرار گیرد، کاهش نرخ بزهکاری با استفاده از تدابیر پیشگیرانه است، البته از رهگذر اعمال این سیاست امنیت‌محور نظر حاکمیت نیز تأمین می‌شود. سیاستگذاری با هدف حفظ امنیت سبب می‌شود سیاست‌های پیشگیرانه بدون توجه به ماهیت جرایم و ویژگی‌های آن اعمال شود. در این نوع سیاستگذاری ارباب حاصل از مجازات به‌عنوان اصلی‌ترین عامل پیشگیری معرفی می‌شود، درحالی‌که اساساً کارکرد قطعی مجازات صرفاً سزادهی است و کارکردهای دیگر آن از جمله پیشگیری، سلب توان و ارباب عمومی یک امر احتمالی است که در زمینه هر بزه و هر بزهکار می‌تواند اثر متفاوت و یا حتی عکس داشته باشد، بدین توضیح که برخی بر این باورند امکان جمع

بین اهداف مجازات در مقام عمل غیرممکن است که این نیز متأثر از نحوه ارتکاب جرم و یا تفاوت در شخصیت مرتکبان است (حاجی ده‌آبادی و سلیمی، ۱۳۹۷: ۱۰۷-۱۰۸). بنابراین آنچه همواره می‌توان به‌طور قطع از اعمال مجازات انتظار داشت، خاصیت سزادهی است.

تدابیر پیشگیرانه غیرکیفری نیز اغلب با نقض حریم خصوصی مردم و مداخله حداکثری حاکمیت در تعاملات اجتماعی همراه است. همان‌طور که اشاره شد لزوماً حاکمیت در قبال همه پدیده‌های مجرمانه و تدابیر پیشگیری از آنها از یک سیاست استفاده نمی‌کنند. با این حال به‌نظر می‌رسد سیاست‌گذاری جنایی ایران در قبال نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی و به‌طور کلی مقوله نظارت یک سیاست‌گذاری امنیت‌محور است. چند مؤلفه برای سنجش و اثبات این امر وجود دارد. در سیاست‌گذاری‌ها نظارت به‌عنوان یک امر حاکمیتی معرفی می‌شود و به‌صراحت بر این امر در برنامه‌های توسعه تأکید می‌کند. این رویکرد به معنی عدم امکان مداخله جامعه در امر نظارت است، مگر حاکمیت مجوز آن را صادر کند. مسئله قابل تأمل در این خصوص این است که آیا نظارت بر پایه منابع قانونی ایجاد می‌شود یا خودبه‌خود موجود است؟ در این زمینه باید گفت امر نظارت با قابلیت اعمال آن دو مبحث متفاوت است. در اقتصاد آزاد بنای کنشگران بر رعایت قواعد رقابت و اصل بر شفافیت حداکثری است؛ یعنی همه فعالان اقتصادی پذیرفته‌اند که فعالیت خود را در معرض دید همگان قرار دهند و امکان اعمال نظارت همواره از سوی هر شخص یا نهادی وجود دارد. بر این اساس اعمال نظارت نیاز به تصویب قانون ندارد، بلکه آنچه مخالف با قواعد شفافیت از جمله اخلال در نظارت است می‌تواند موضوع ورود و دخالت قانون قرار گیرد. این امر در کشورهای با اقتصاد دولتی وارونه است و اعمال نظارت در این کشورها نیازمند تصویب قانون است. در ایران عملاً همه سیاست‌گذاری‌ها در خصوص نظارت حول محور مصلحت‌اندیشی حاکمیت شکل می‌گیرد و امنیت ملی همواره بر تمامی شئون سیاست‌گذاری جنایی تفوق داشته است. در واقع هر سیاستی ابتدا از منظر مواجهه با امنیت ملی ارزیابی و سپس تأیید یا اجرا می‌شود. در نظام ایران مفهوم امنیت ریشه در مصلحت‌اندیشی حاکمیت دارد و این مصلحت‌اندیشی امنیت‌محور خود را به‌صورت آشکاری در نظام عدالت کیفری متبلور کرده است. «در این خصوص می‌توان به شرعی‌سازی رفتارهای مجرمانه علیه امنیت که صبغه شرعی نداشته‌اند، اشاره کرد. قاعده‌گرایی نسبت به تهدیدهای امنیتی و استثنا کردن اصول در قبال آنها و رسیدگی افتراقی به این‌گونه جرایم از دیگر موارد نمود مصلحت‌اندیشی در مقوله امنیت است» (عالی‌پور، ۱۳۹۲: ۸۵).

نظام عدالت کیفری مجرم اقتصادی را با توسل به احاله مجازات به حدود شرعی با پاسخ‌های سنگین همچون اعدام مواجه می‌کند و از طرفی رسیدگی‌های افتراقی (از جمله تشکیل محاکم کیفری معروف به دادگاه‌های استجازه‌ای) نسبت به این جرایم مشهود است. همچنین

استفاده از عناوین مجرمانه‌ای مانند اخلال در نظام اقتصادی کشور در زمینه جزئی‌ترین انحرافات اقتصادی در زمان بحران‌های اقتصادی نشان می‌دهد که جرایم اقتصادی در نظام قضایی ایران یک جرم امنیتی‌سازی شده است. بر همین اساس پیشگیری از این جرایم نیز به‌اشتباه مقوله‌ای امنیتی فرض می‌شود، از این‌رو نهادهای ناظر به‌منظور پیشگیری و کشف نیز اغلب نهادهای امنیتی‌اند. درحالی‌که ماهیت پدیده مجرمانه، چرایی آن و راهکار مقابله با آن یک امر امنیتی نیست. بی‌شک از رهگذر یک سیاست جنایی مبتنی بر خرد و التزام به استمرار آن امنیت نیز فراهم می‌شود، ولی چون مفهوم واژه امنیت در زمان‌های مختلف و بنا به مصلحت دچار دگرگونی می‌شود، از این‌رو دولت‌ها و یا حاکمیت امنیت را به‌عنوان ریشه در نظر می‌گیرند و همواره سیاست‌ها را بر اساس آن تنظیم می‌کنند و این به معنی سردرگمی در سیاست‌ها است. بر این اساس می‌توان گفت که در ایران اساساً نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی به‌عنوان یک مفهوم امنیتی پذیرفته شده است. از این‌رو نهادهای امنیتی کشور نقش گسترده‌ای در سیاست‌ها در قبال مبارزه با جرایم اقتصادی دارند و این امر سبب شده است تا نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی به‌عنوان یک امر تخصصی پیشگیری از وقوع جرایم اقتصادی به یک مرجع متخصص مستقل نظارتی با صلاحیت عام (نظیر آنچه در سنگاپور ایجاد شده است) محول نشود. نهادهای تخصصی فلی همچون بانک مرکزی، سازمان بورس، سازمان حسابرسی و ... صرف‌نظر از اینکه ماهیت دولتی دارند و چنانکه پیشتر گفته شد از این حیث صلاحیت نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی دولتی را ندارند، به لحاظ محدوده حوزه نظارتی عملاً امکان نظارت بر بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی را نیز نخواهند داشت.

۲.۴. نظارت اجتماعی در تقابل با حریم خصوصی

حریم خصوصی نیز از آن دست مفاهیمی است که بسته به عرف و یا رویکرد حاکمیت می‌تواند پیوسته دستخوش تغییرات شود. برخی معتقدند حریم خصوصی آن بخش از زندگی انسان است که در آن از آزادی در برابر بازخواست و کیفر برخوردار است و هرگونه تصمیم‌گیری درباره آن و همین‌طور نظارت بر آن بر عهده اوست و مداخله دیگران در آن منع شده است (درگاهی، ۱۳۹۵: ۷۵). «به‌صورت کلی و ساده می‌توان گفت حریم شخصی عبارت است از رعایت اصل عدم دسترسی دیگران به اطلاعات شخصی فرد» (Parent, 1983: 306). در قرآن کریم آیاتی در خصوص حفظ حریم خصوصی افراد مشاهده می‌شود که در آنها مسلمانان از ورود در زندگی خصوصی یکدیگر منع شده‌اند.^۱ در ماده ۱۲ اعلامیه حقوق بشر آمده است زندگانی خصوصی یا امور خانوادگی یا محل سکونت، یا مراسلات کسی نباید در معرض دخالت خودسرانه واقع شود و نیز به حیثیت و

۱. حجرات: ۱۲؛ نور: ۲۷.

حسن شهرت هیچ کس نمی توان حمله کرد. هر کس حق دارد در این گونه دخالت ها یا این گونه تجاوزها، از پشتیبانی قانون برخوردار باشد. بنابراین هرگونه مداخله در امور خصوصی افراد ممنوع است که این امور خصوصی می تواند مربوط به امور خانوادگی افراد باشد و یا امور حرفه ای آنها. این موضوع که خصوصی تا کجا برای حاکمیت قابل احترام است، موضوعی قابل تأمل است. از یک طرف احترام به حریم خصوصی افراد از بدیهی ترین حقوق اولیه انسان هاست و از یک سو نمی توان اجازه داد به بهانه حریم خصوصی نظم عمومی مخدوش شود. از این رو باید مؤلفه های دقیقی در این زمینه وجود داشته باشد تا ضمن حفظ نظم عمومی، حریم خصوصی افراد نیز محفوظ بماند. «بر اساس فقه شیعی، حکم اولیه ورود به حریم خصوصی اشخاص چه از جانب مردم و چه از جانب حاکمیت حرام است. حفظ نظام اسلامی از مواردی است که ضرورت آن باعث می شود حکم اولیه حرمت به حکم ثانویه جواز تبدیل شود و بر این اساس اگر بنا بر ضرورت نقض حریم خصوصی اشخاص لازم آید می بایست محدوده افراد تحت کنترل و تجسس مشخص و دخالت در حریم خصوصی آنها نیز تا حد رفع ضرورت باشد» (درگاهی، ۱۳۹۵: ۸۵). مداخله در حریم خصوصی در جایی که احتمال قوی ارتکاب جرم علیه نظم عمومی داده شود نه تنها مذموم نیست، بلکه بنابر قاعده عقلی لازم و ضروری است. هیچ فردی نمی تواند حق خویش را وسیله اضرار به غیر قرار دهد و بر این اساس هر جا که منافع عموم و یا افراد جامعه در معرض تضییع باشد، توسل به حریم خصوصی جایگاهی ندارد. چالش عمده این بحث عدم امکان تعریف دقیق و جامع از حریم خصوصی و یا امنیت و آسایش عمومی به صورت فراگیر است.

سیاست های حاکم بر اقتصاد و مجموع فعالیت های اقتصادی سامان یافته تحت این سیاست ها، نظام اقتصادی کشور را شکل می دهد و بدیهی است انحراف در سیاست ها و یا فعالیت های اقتصادی انسجام نظام اقتصادی را به مخاطره می اندازد، از این رو نمی توان اجازه داد که ساختار نظام اقتصادی متزلزل شود و سپس به اعمال نظارت پرداخت که در واقع این گونه از نظارت همان نظارت با هدف کشف جرم است نه پیشگیری از جرم. نکته اساسی این است که ورود نهادهای رسمی به آنچه تحت عنوان حریم خصوصی از آن یاد می شود، از باب صیانت از نظم عمومی (با رعایت قدر متیقن ها) قابل پذیرش است، اما آیا این پذیرش در زمینه نظارت بر نهادهای اقتصادی دولتی و بخش خصوصی توسط مردم نیز وجود دارد؟ در خصوص نهادهای دولتی به لحاظ عدم موضوعیت حریم خصوصی موضوع روشن است، اما در زمینه فعالیت های اقتصادی بخش خصوصی موضوع قابل تأمل است. باید حریم خصوصی را در زمینه فعالیت های اقتصادی تبیین کرد تا حدود و ثغور امکان اعمال نظارت مردم بر فعالیت های بخش خصوصی روشن شود. مسئله این است که آیا تمام ابعاد فعالیت های اقتصادی بخش خصوصی می تواند موضوع نظارت توسط مردم قرار گیرد یا خیر؟ اطلاعات مالی هر شخص از قبیل میزان درآمد و

دارایی‌ها از جمله موارد حریم خصوصی تلقی می‌شود، ولی نوع و نحوه فعالیت‌های اقتصادی افراد با توجه به پیوند ناگسستنی آن با نظام اقتصادی نمی‌تواند موضوع حریم خصوصی باشد. از این رو موضوع نظارت باید نوع و نحوه فعالیت‌های اقتصادی باشد نه میزان عواید حاصل از آن. از این حیث حاکمیت باید زمینه لازم را بر اعمال نظارت جامعه بر فعالیت‌های اقتصادی بخش خصوصی به‌نحوی فراهم آورد که ضمن رعایت حریم خصوصی فعالان اقتصادی، نحوه فعالیت آنها به‌روشنی برای مردم قابل رؤیت باشد. هویت سهامداران، موضوع فعالیت، دامنه فعالیت، وابستگی یا عدم وابستگی آنها به دولت یا حاکمیت، نحوه استفاده آنها از امکانات بخش عمومی و ... از جمله مواردی است که ضروری است مردم در جهت اعمال نظارت به اطلاعات آن دسترسی داشته باشند.

۳.۴. نظارت اجتماعی در مواجهه با آزادی

تعارض میان آزادی افراد و منافع جامعه از دیرباز موضوع مناقشه‌برانگیزی بوده است. اینکه آیا دولت به‌عنوان منتخب و نماینده مردم برای ایجاد نظم، حق تحدید آزادی‌های فردی را دارد یا خیر موضوع بسیار قابل تأملی است. تضمین آزادی‌های فردی برای حصول منافع اجتماعی امری لازم و ضروری است و حقوق فردی است که حدود و ثغور قوانین اجتماعی و نظم عمومی را مشخص می‌کند و بر این اساس حق حیات، حق آزادی، حق مالکیت فردی می‌بایست زیربنای همه مقررات اجتماعی باشد. دولت‌ها نیز باید در راستای حفظ این حقوق عمل کنند، بدین مفهوم که در عین حال که آزادی عمل افراد جامعه را تضمین می‌کنند، اجازه نقض آزادی‌های اجتماعی و فردی دیگران را نیز نمی‌دهد (شرف، ۱۳۹۴: ۱۲۳).

مسئله این است که آیا نظارت اجتماعی در تعارض با آزادی افراد است یا خدشه‌ای به آن وارد می‌کند؟ چنانکه در قانون اساسی نیز آمده است هر فردی حق دارد آزادانه به فعالیت اقتصادی دلخواه خود بپردازد و نوع و نحوه فعالیت خود را آزادانه انتخاب کند، اما اینکه اثر فعالیت او بر اقتصاد کشور و به‌طور خاص امنیت اقتصادی چه خواهد بود چندان ارتباطی به آزادی فردی ندارد. اساساً مفهوم آزادی در یک جامعه متبلور در امکان دخالت شهروندان در همه شئون حوزه حقوق عمومی است. هرچند آزادی در اقتصاد از مقدمات رشد و توسعه است، اما نظارت اجتماعی را نیز باید داخل در این مقدمات فرض کرد. این امر در خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی بسیار نمود خواهد داشت. مذاقه در واگذاری شرکت‌هایی همچون کشت و صنعت مغان و نیشکر هفت‌تپه^۱ و اثبات تحقق فساد در این فرایند، جایگاه نظارت اجتماعی را در پیشگیری از فساد و جرم اقتصادی

۱. به موجب دادنامه صادره از شعبه ۵۵ دادگاه حقوقی تهران حکم خلع ید خریدار از شرکت هفت‌تپه و بازگشت شرکت به دولت صادر شد که در دادگاه تجدیدنظر نیز قطعیته یافته است.

روشن می‌سازد. اصل آزادی حکم می‌کند که هر شخصی بتواند در خصوصی‌سازی یک بنگاه شرکت کرده و با پرداخت حقوق دولتی آن را تملک کند، اما منافع جامعه اقتضا دارد که بنگاه‌های دولتی به اشخاصی واگذار شود که اهلیت لازم برای فعالیت در عرصه اقتصاد را داشته باشند. مادامی که دولت متولی انتقال اقتصاد است و خود نیز در مقام نظارت نیز اعمال حاکمیت می‌کند، این جامعه است که می‌بایست با حضور فعال بر این فرایند نظارت کند و چنانچه ظرفیت قانونی لازم برای اعمال نظارت اجتماعی بر این دست فعالیت‌ها وجود نداشته باشد، نتیجه این خواهد شد که در فرایند خصوصی‌سازی در ایران قابل مشاهده است.

۵. بایسته‌های نظارت اجتماعی در حوزه فعالیت‌های اقتصادی

پیش از اینکه راهکارهایی برای نظارت جامعه بر فعالیت‌های اقتصادی ارائه شود، باید به این نکته توجه کرد که مشارکت مردم در موضوعات ملی و اجتماعی به میزان چشمگیری مرتبط با نوع نظام سیاسی است. ماهیت نظام سیاسی حاکم بر کشور است که نحوه و حدود مداخله جامعه در تعیین سیاست‌ها در ابعاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را تعیین می‌کند. در نظام‌های مبتنی بر مردم‌سالاری مشارکت مردم در موضوعات اجتماعی و اقتصادی به مراتب بیش از نظام‌های دیگر است. «اساس نظام دمکراتیک بر مشارکت فعال جامعه بنا شده است. در واقع دموکراسی صرفاً اعمال حق رأی و آزادی سیاسی و برابری نیست، بلکه این موضوع صرفاً نقطه آغازین در زمامداری مبتنی بر دموکراسی است. در جامعه مبتنی بر مردم‌سالاری شهروندان باید نهایت کنترل را در مسائلی که از طریق تصمیم‌سازی حل‌وفصل می‌شوند، دارا باشند» (Munck, 2016: 12).

در نظام مردم‌سالار با این ویژگی‌ها بدیهی است مردم در تمامی مسائل مهم و اساسی جامعه دخالت و مشارکت خواهند داشت و ظرفیت عظیمی برای حل چالش‌های اقتصادی و اجتماعی ایجاد خواهد شد و برعکس اگر مردم‌سالاری در اعمال حق رأی خلاصه شود و جامعه پس از انتخابات جایگاهی در تصمیم‌سازی نداشته باشند، نباید انتظار مشارکت فعال در برابر معضلات اقتصادی و اجتماعی از جامعه داشت. توسعه مؤلفه‌های مردم‌سالاری در کشور هم به لحاظ استفاده از ظرفیت جامعه برای حل مشکلات و هم به لحاظ رشد اقتصادی^۱ لازم و ضروری است. اساس مشارکت مردم در اموری مانند پیشگیری از وقوع جرایم به این موضوع مرتبط است که حاکمیت به چه میزان فضا را برای مداخله مردم در تمام امور فراهم کرده است.

۱. داده‌های بانک جهانی نشان می‌دهد دموکراسی به‌شدت با رشد اقتصادی مرتبط است. توضیح رشد اقتصادی در کشورهای اقتدارگرا دشوار نیست. در واقع در کشورهایی نظیر چین که فاقد نظام دموکراسی‌اند، رشد اقتصادی از طریق اعمال قدرت حاکمیت بر منابع کشور اتفاق می‌افتد. از این رو هرچند ممکن است رشد اقتصادی در چنین کشورهایی به دموکراسی مرتبط نباشد، اما این امر ناقض ارتباط گسترده رشد اقتصادی با دموکراسی نیست (Luo, 2020: 18).

که حاکمیت به چه میزان فضا را برای مداخله مردم در تمام امور فراهم کرده است. بدون وجود چنین فضایی برای مشارکت و مداخله جامعه - در تمام امور و نه به صورت موردی - سیاست جنایی مشارکتی هیچ جایگاهی در پاسخ‌دهی به پدیده مجرمانه نخواهد داشت. صرف‌نظر از این موضوع زیربنایی، تدابیر دیگری نیز لازم است تا موجب تقویت تدابیر سیاست جنایی مشارکتی در مواجهه با بزهکاری اقتصادی شود.

۵. ۱. شناسایی نظارت به عنوان یک مسئولیت اجتماعی

جامعه باید اقتناع حاصل کند که نظارت مستمر بر نحوه فعالیت‌های اقتصادی، تکلیف شهروندی است و اجرای صحیح این حق می‌تواند به کاهش فساد و جرایم اقتصادی منجر شود. افراد بر مبنای مسئولیت اجتماعی مکلف‌اند بر مسئولان و مدیران نظارت کنند و هر جا خللی یافتند با تذکر و اعتراض نسبت به اصلاح امور کوشا باشند.^۱ میزان مشارکت اجتماعی شهروندان در اجرای سیاست‌ها مرتبط با میزان اعتماد اجتماعی است. در واقع اعتماد اجتماعی پیش‌شرط مشارکت و یکی از مؤلفه‌های مهم موفقیت در همکاری است. «اعتماد عمومی باعث ایجاد روحیه جمعی می‌گردد و زمینه مشارکت را فراهم می‌کند، لذا بین مشارکت و اعتماد عمومی رابطه مستقیمی وجود دارد» (منبری‌فر و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰۵).

بر این اساس وجود دو مؤلفه برای تقویت مشارکت جامعه در مبارزه با فساد و جرم اقتصادی ضروری به نظر می‌رسد. نخست تبیین ضرورت نظارت مردم بر حاکمیت و دیگری افزایش اعتماد عمومی در سطح جامعه. ضعف در هر کدام یک از این مؤلفه‌ها به شکست تدابیر سیاست جنایی مشارکتی می‌انجامد. میزان اعتماد عمومی به جنبه‌های گوناگونی از نحوه رفتار حاکمیت مرتبط است. میزان صداقت و شفافیت در برقراری ارتباط با مردم، میزان سلامت دستگاه‌های مختلف کشور از حیث فساد مالی و اداری، نحوه پاسخ‌دهی دولت و سیستم قضایی به پدیده‌های مجرمانه، حمایت قانونی از نظارت و عواملی از این دست در افزایش یا کاهش میزان اعتماد عمومی بسیار مؤثر است. بدیهی است در کشوری که فساد در نظام اداری آن رایج باشد، اعتماد عمومی به دولت برای مقابله با فساد وجود نخواهد داشت و متعاقب آن جامعه مشارکت فعالی نیز در این زمینه از خود بروز نمی‌دهد. بنابراین در کشورهای با شاخص ادراک فساد بالا جلب مشارکت مدنی در مبارزه با جرایم اقتصادی و فساد بسیار دشوار است. از همین روی افزایش جلب مشارکت مردم نیازمند یک سری اقدامات اعتمادساز از سوی حاکمیت در تمام ابعاد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است.

۱. آل‌عمران: ۱۰۴.

۵.۲. تبیین عمومی آثار زیانبار جرایم اقتصادی

آثار و تبعات پدیده‌هایی همچون جرم اقتصادی و فساد صرفاً بر نظام اقتصادی ظاهر نمی‌شود و در واقع فقط مرتبط با فعالان اقتصادی و یا حاکمیت نیست، بلکه به صورت آشکار نظم اجتماعی موجود را نیز هدف قرار می‌دهد و در واقع از همین سبب به عنوان جرایم علیه نظم عمومی شناخته می‌شوند. از این رو و به واسطه آسیبی که از رهگذر ارتکاب این دست از جرایم به اعتماد عمومی و ساختار اقتصادی کشور وارد می‌شود، هر شخصی که به نوعی با نظام سیاسی و اقتصادی کشور مرتبط است، به صورت مستقیم و غیرمستقیم متضرر از جرم محسوب می‌شود. با این رویکرد هر شخصی باید امکان نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی را داشته باشد. آنچه مردم از وقوع جرم اقتصادی به عنوان یک پدیده مجرمانه برداشت می‌کنند، متفاوت از واقعیت ماجراست. برداشت مردم این است که یک شخص ذی‌نفوذ از قدرت خود سوءاستفاده کرده و بیت‌المال را به تاراج برده است. در واقع مردم احساس فرد مال‌باخته‌ای را دارند که به واسطه دخالت افراد دولتی در ارتکاب جرم امیدی به بازگشت اموالشان نیز ندارند. این سطح ادراک از جرم اقتصادی بسیار نازل‌تر از چیزی است که در عالم واقع رخ می‌دهد. در حقیقت، توقف، بلکه افول مؤلفه‌های رشد و توسعه به عنوان مهم‌ترین تبعات گسترش فساد و جرایم اقتصادی در افکار عمومی چندان جایگاهی ندارد و صرفاً در محافل دانشگاهی مورد بحث قرار می‌گیرد، در حالی که مهم این است که جامعه نسبت به این تبعات و آثار آگاه باشد. تقلیل تحقق یک جرم اقتصادی به بردن بیت‌المال و یا سوءاستفاده کلان از اموال مردم دقیقاً نکته‌ای است که برای مجرمان اقتصادی حاشیه امن فراهم کرده است. «دستیابی به موفقیت در هر سیاستی علیه جرایم اقتصادی مستلزم توانمندسازی تحلیلی مردم از طریق آموزش و ارتقای سطح آگاهی نسبت به ویژگی‌ها، ماهیت، آثار و پیامدهای این جرایم است» (توسلی‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۴۱).

با وجود الزامات قانونی اساسی (اصل ۳) مبنی بر آموزش شهروندان تاکنون نظام عدالت و نهادهای رسمی به صورت مستمر و مداوم برنامه‌ای جهت آگاه‌سازی مردم از عواقب ناملموس تحقق جرایم اقتصادی نداشته‌اند. آنچه نهادهای رسمی برای مردم توضیح داده‌اند، صرفاً خبر تحقق جرم و اقدامات مقابله‌ای بوده که نتیجه آن غیر از بی‌تفاوتی مردم نسبت به وقوع جرم و کاهش سطح اهمیت نحوه مقابله با آن نبوده است. در چنین فضایی پدیده مجرمانه مورد بحث به عنوان یک مسئله اجتماعی از سوی مردم شناسایی نمی‌شود و مادامی که جامعه موضوعی را به عنوان یک مسئله اجتماعی شناسایی نکند، هر اقدامی در راستای همراه‌سازی جامعه با سیاست جنایی محکوم به شکست است.

۵.۳. تقویت سازمان‌های مردم‌نهاد

یکی از مهم‌ترین اقدامات در راستای مبارزه با فساد و جرم اقتصادی استفاده از مشارکت سازمان‌یافته مردمی در قالب نهادهای مدنی است. «در پنجمین همایش جهانی مبارزه با فساد در آفریقای جنوبی به نقش نهادهای مدنی در مبارزه با فساد پرداخته شده و به نظارت به‌عنوان یکی از ابزار نهادهای مدنی در راستای مقابله با فساد اشاره شده است» (احمدی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۶۰-۱۶۶). «توانمندسازی نهادهای غیردولتی یا همان سازمان‌های مردم‌نهاد نقش مهمی در حمایت از سیاست‌های مبتنی بر اصلاح فرایندهای فسادزا ایفا می‌کنند» (Chêne et al., 2008: 1). سازمان شفافیت بین‌المللی نیز بر نقش نهادهای مدنی در مبارزه با فساد تأکید داشته و اقداماتی را که در این زمینه نهادها می‌توانند انجام دهند، برشمرده است. «کمک به آموزش عمومی، برقراری فرهنگ قانون مداری و پرهیز از فساد، کمک به سازوکار گزارش دهی، پژوهش و بیان دیدگاه‌های اصلاحی و ارائه کدهای رفتاری از جمله اقداماتی است که از سازمان‌های مردم‌نهاد انتظار می‌رود» (احمدی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۶۸-۱۷۰). بر این اساس نقش نهادهای جامعه‌ی در تبیین نظارت به‌عنوان یک فرهنگ در جامعه بی‌بدیل است. در واقع سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند به‌صورت گسترده‌ای رویکردهای حاکمیت و مردم را جهت فراهم کردن شرایط مشارکت فعال در نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی به هم نزدیک کند.

با توجه به ماهیت تخصصی و فنی بودن فعالیت‌های اقتصادی و به‌تبع آن فنی بودن جرایم اقتصادی و همچنین با عنایت به حق جامعه نسبت به نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی دولتی و عمومی به‌نظر می‌رسد ایجاد تشکل‌ها و نهادهای مردمی تخصص‌محور می‌تواند موجب افزایش گستره نظارت و در نتیجه پیشگیری از جرم شود. همچنین نقش نهادهای مدنی می‌بایست از حالت اعلام‌کننده جرم خارج و به‌عنوان مدعی قانونی در خصوص مبارزه با جرایم اقتصادی و فساد شناسایی شود. تقویت سازمان‌های مردم‌نهاد از طریق تبیین جایگاه آنان در مبارزه با جرایم اقتصادی، برخورداری آنها از منابع مالی مشخص نیز ممکن است، اما مهم‌ترین موضوع در این زمینه به رسمیت شناختن این نهادها از سوی حاکمیت به‌منزله یک ابزار قدرتمند برای مبارزه با فساد است.

۵.۴. منع محدودیت در فضای مجازی

یکی از مهم‌ترین منابع دسترسی مردم به اطلاعات و در نتیجه اعمال نظارت عمومی شبکه‌های پیام‌رسان اجتماعی فعال در بستر فضای مجازی است. شبکه‌های اجتماعی به‌دلیل ضریب نفوذ بالا در جامعه از ظرفیت بالایی برای آگاه‌سازی، اطلاع‌رسانی، فرهنگ‌سازی و در نهایت گزارش‌دهی برخوردار است. استفاده از فضای مجازی در ایران به‌صورت گسترده‌ای مورد استقبال

مردم قرار گرفته است و از این امر می‌توان به‌عنوان فرصتی برای افزایش نظارت عمومی استفاده کرد. «تحقیقات نشان داده است که هرچند دسترسی به برخی شبکه‌های اجتماعی مانند تلگرام، توئیتر و فیس‌بوک در ایران محدود شده است، اما با این حال تعداد بسیاری از مردم از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند، به‌نحوی که از بین ده کشور بررسی‌شده در پژوهش (ایران، انگلستان، افغانستان، استرالیا، چین، فرانسه، آمریکا، ایرلند، هند و روسیه) رتبه نخست را به خود اختصاص داده است و یکی از مهم‌ترین دلایل چنین ضریب نفوذی، تمایل ایرانیان به دسترسی به اخبار و اطلاعات عنوان شده است» (ضیایی پرور و عقیلی، ۱۳۸۸: ۳۱-۳۶).

سرعت و سهولت در انتشار اطلاعات مهم‌ترین ویژگی شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی است و این امر بدین‌مفهوم است که فضای مجازی از مهم‌ترین منافذ اعمال نظارت مردم بر حکمرانان محسوب می‌شود و تقویت حضور مردم در این شبکه‌ها به افزایش نظارت عمومی منجر می‌شود. همان‌گونه که این شبکه‌ها می‌تواند عاملی برای توسعه و مقابله با فساد باشد می‌تواند به عنوان یک تهدید برای حاکمیت به‌شمار آید. برخی شبکه‌های اجتماعی با مزوج کردن اخبار صحیح و غلط و ارائه به عموم موجبات افزایش نارضایتی عمومی را فراهم می‌کنند و بدین‌ترتیب اگر حاکمیت امکان کنترل این شبکه‌ها را نداشته باشد، به‌سوی مسدود سازی گام برمی‌دارد.^۱ مسدود سازی فضای ناسالم مجازی برای گروه‌های سنی در بسیاری از کشورها اعمال می‌شود، ولی رویکرد حداکثری سیاست‌های ایران در مسدود نمودن فضای مجازی سبب شده فیلترینگ بر ضد خود عمل کند و به اهداف موردنظر نرسد. مسدود سازی بستر فضای مجازی یک واکنش منفعلانه است، چراکه عملاً هیچ تأثیری بر میزان نفوذ شبکه‌های اجتماعی ندارد. به هر اندازه که فیلترینگ در دستور کار دولت باشد، به همان میزان بازار فیلترشکن‌ها رونق بیشتری می‌گیرد و چه‌بسا اقدامات دولت در راستای مسدودسازی نیز خود منبعث از یک فساد سازمان‌یافته در راستای منافع و مقاصد سیاسی و اقتصادی باشد. از این‌رو حاکمیت می‌بایست به‌جای مسدودسازی دسترسی مردم به اطلاعات با ایجاد محتوا به مقابله با تهدیدات برخیزد. بنابراین با توجه به اینکه فضای مجازی بستر مهم و شایان توجهی برای اعمال نظارت مردم است که از ظرفیت آن برای مقابله با فساد و پیشگیری از جرایم اقتصادی می‌توان بهره برد، نباید به هر نحوی و با هر بهانه‌ای نسبت به مسدودسازی این فضا اقدام کرد.

۱. در ۱۰ اردیبهشت‌ماه ۹۷ شبکه پیام‌رسان تلگرام به دستور مقام قضایی در ایران مسدود شد. اخلال در وحدت ملی و ایجاد اختلاف بین اقشار جامعه از طریق طرح مسائل قومی و نژادی و تحریک به شورش و آشوب، جمع‌آوری اطلاعات از مردم و کشور و دسترسی بیگانگان به حریم خصوصی و داده‌های شهروندان ایرانی و جاسوسی به نفع بیگانگان، انتشار و تولید محتوای مستهجن، اهانت به ارزش‌های مقدس اسلامی و تبلیغ به نفع فرقه‌های منحرف، نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی، اقدام علیه امنیت کشور از طریق گروهک‌های تروریستی، تبلیغ علیه نظام و هتک حیثیت اشخاص از جمله دلایل مسدود سازی پیام‌رسان تلگرام عنوان شده است (<https://www.yjc.ir/fa/news/6518725>).

۵.۵. ایجاد فضای مناسب برای اعتراضات مسالمت‌آمیز

اعتراضات مردمی ۲۰۱۳ در رومانی که به بسیج گسترده مردمی در مبارزه با فساد تبدیل شد به اصلاح بسیاری از ساختارهای فسادزا در این کشور انجامید. هرچند رسانه‌های اجتماعی در افزایش آگاهی عمومی مردم نقش بسزایی داشتند، اما مهم‌ترین موضوع بسیج مردمی در مبارزه با فساد بود. «این اعتراضات و نتایج حاصل از آن نشان داد که دولت می‌بایست در تمام موضوعات مهم و اثرگذار که زندگی مردم و نسل‌های بعد را تحت الشعاع قرار می‌دهد، تصمیم‌سازی را با مشورت عمومی به انجام برساند در غیر این صورت چنین تنش‌هایی برای اصلاح ساختار و مبارزه با فساد اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. اعتراضات در رومانی نشان داد که ارزش‌های فرهنگی از ارزش‌های اقتصادی از اهمیت بیشتری برای مردم برخوردارند. در واقع ارزش‌هایی مانند مردم‌سالاری، حفظ محیط زیست، احترام به قانون، برابری اقتصادی، توسعه پایدار و حقوق بشر بسیار مهم‌تر از ارزش‌های اقتصادی موردنظر دولت‌ها هستند» (Jarosz, 2015: 67).

هرچند پایه و اساس این اعتراضات در اروپا بر پایه مسائل زیست‌محیطی شکل گرفت و سپس به مبارزه با فساد تبدیل شد، اما نکته مهم تأثیر و قدرت اعتراضات و مطالبات مدنی در اصلاح ساختار کشور است. اعتراضات مدنی در قالب اجتماعات نه‌تنها مذموم نیست، بلکه از الزامات مردم‌سالاری و از حقوق بنیادین شهروندان است. در بسیاری از کشورهای دارای نظام مردم‌سالار این حق به رسمیت شناخته شده است. برای مثال در استرالیا دولت اقدام به انتشار راهنمای اعتراضات مسالمت‌آمیز کرده و مکان‌هایی را برای تجمع مردمی در نظر گرفته است.^۱ در ایران نیز این حق به موجب قانون به رسمیت شناخته شده است. اصل ۲۷ قانون اساسی بیان می‌دارد تشکیل اجتماعات و راه‌پیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است، لیکن اجرای آن توسط حاکمیت همواره با تعلل مواجه بوده است. برقراری نسبت بین تدابیر نظارتی بر پایه سیاست جنایی مشارکتی با حق اعتراضات مسالمت‌آمیز چندان دشوار نیست. در واقع حق اعتراضات مسالمت‌آمیز همچون گزارش‌دهی یکی از

۱. در این راهنما آمده است: پایتخت ملی دارای مکان‌های عمومی بسیاری است که در آن مردم می‌توانند از طریق اعتراضات و تظاهرات مسالمت‌آمیز از حق خود برای انتقال نظرها و عقاید خود استفاده کنند. دموکراسی ما این حق را که تابع قانون عمومی است و باید در برابر حقوق و منافع دیگران و کل جامعه متعادل شود، به رسمیت می‌شناسد. محافظت از ایمنی عمومی، حفظ صلح و تسهیل دسترسی عادلانه و برابر به مناطق عمومی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. این کتابچه اطلاعاتی توسط دولت فدرال تهیه شده است تا به برگزارکنندگان کمک کند تا اعتراضات خود را با خیال راحت، مسالمت‌آمیز و بدون تأثیر بر دیگر منافع مشروع انجام دهند. اگر قصد اعتراض دارید یا در مورد حقوق یا تعهدات خود هنگام استفاده از زمین عمومی در پایتخت ملی تردید دارید، لطفاً با ما تماس بگیرید (Protest, R. T. THE RIGHT TO PROTEST, 2015: 67).

طرق اعمال نظارت مردم بر رفتار مدیران و مسئولان کشور است. اگر چنین حقی وجود نداشته باشند و مردم نتوانند اعتراض خود را نسبت به فساد گسترده و یا انحرافات اجتماعی و اقتصادی به صورت مسالمت‌آمیز و در قالب اجتماعات بیان کنند، اساساً مشارکت اجتماعی مفهومی پیدا نمی‌کند. نمی‌توان به مشارکت افراد به صورت انفرادی مشارکت مدنی گفت، ولی شرکت مردم در اعتراضات برای مقابله با فساد را اختلال قلمداد کرد. مشارکت مردم به صورت گسترده و اتفاقاً به صورت جمعی سبب تغییر ساختارهای فسادزا و اصلاح امور می‌شود که در اروپای شرقی چنین شد. هر چند نمی‌توان گفت نتیجه همه اعتراضات اصلاح ساختار و بهبود شرایط است، اما تقویت این نوع مشارکت از سوی حاکمیت موجب می‌شود که این ظرفیت با هدایت حاکمیت کشور را به سوی فضای عاری از فساد و همچنین رشد و توسعه پایدار رهنمون سازد.

۵. ۶. تقویت رسانه‌های خبری مستقل

رسانه و خبرگزاری یک ظرفیت عظیم برای مقابله با نقایص موجود و حرکت به سمت آرمان‌های جامعه‌ای توسعه‌یافته به شمار می‌رود. وظیفه یک رسانه مستقل و آزاد کسب اطلاعات از هر طریق ممکن و ارائه به مخاطب است. انتشار انحراف فعالیت‌های اقتصادی و خبر از احتمال قریب‌الوقوع تحقق یک جرم به صورت عمومی موجب تمرکز توجه افکار عمومی به سمت موضوع و در نهایت توقف ظهور پدیده مجرمانه می‌شود. «رسانه‌ها از دیرباز و از زمان پدید آمدن جامعه مدرن یکی از مهم‌ترین ابزارهای تقویت جامعه مدنی برای دفاع از خود در برابر دولت و صاحبان قدرت بوده‌اند و اساساً دلیل وجود رسانه نیز همین امر است» (فکوهی، ۱۳۸۶: ۳۵). از این رو در کارایی استفاده از ظرفیت خبرنگاران به عنوان یکی از بخش‌های مهم جامعه مدنی تردیدی وجود ندارد.

آنچه می‌تواند در این موضوع محل تأمل باشد نحوه استفاده از ابزار رسانه جهت نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی و مبارزه با فساد است. سه اصل مهم بر پایه قاعده عقلی در حوزه خبررسانی را می‌توان استقلال خبرنگار، مصونیت او در برابر تعقیب و امکان دسترسی به اطلاعات معرفی کرد. با رعایت این سه اصل از این ابزار به بهترین شکل ممکن می‌توان در جهت پیشگیری از فعالیت‌های اقتصادی اقدام کرد. «بر اساس یافته‌های یک تحقیق جامع، این موضوع به اثبات رسیده است که میزان آزادی و استقلال مطبوعات با شاخص فساد در کشور دارای رابطه معناداری است، به نحوی که رسانه مستقل سد محکمی در برابر فساد محسوب می‌شود. همچنین نتایج این بررسی‌ها نشان می‌دهد که میزان فساد پایین در کشورها نیز منجر به آزادی مطبوعات شده است، از این رو هر دو عامل از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند. بر این اساس بهبود سطح آزادی مطبوعات به طور قطع منجر به کاهش فساد می‌شود» (Brunetti & Weder, 2003: 1821)، رسانه وابسته به دولت و حاکمیت اگر بر مدار عدالت نیز رفتار کند، همچنان دچار

پدیده مصلحت‌اندیشی است. مصلحت‌اندیشی در بسیاری از موارد به انفعال منجر شده است. عدم انتشار اخبار به موقع سبب شده است که اذهان عمومی نسبت به اخباری که از رسانه‌های منتسب به حاکمیت منتشر می‌شود، اعتماد کافی نداشته باشد.

در حال حاضر به دلیل سرعت انتقال خبر در فضای مجازی، زمان انتشار خبر عنصر بسیار مهم و کلیدی به‌شمار می‌رود. سرعت در این امر صرف‌نظر از صحت و سقم خبر به‌خودی‌خود اعتمادساز است و به‌تبع تأخیر در انتشار خبری که عموم از آن به‌نحوی مطلع شده است، این شائبه را ایجاد می‌کند که هدف رسانه از تأخیر تحلیل خبر و ارائه تفسیر خبر به مخاطب است. این نکته مهم‌ترین عامل بدبینی مردم به رسانه است. رسالت رسانه تفسیر خبر نیست، بلکه بدو انتقال خبر با حفظ اصول امانتداری است. تفسیر خبر و بررسی صحت آن بر عهده مخاطب است. ارائه یک خبر به شیوه‌های گوناگون و با قرائت‌های مختلف و هرچند متناقض از چندین رسانه خود موجب سهولت در تشخیص خبر صحیح از ناصحیح می‌شود. بنابراین به‌منظور پیشگیری از مصلحت‌اندیشی بی‌مورد و تسریع در انتقال خبر، استقلال رسانه از حاکمیت امری ضروری است. مصونیت خبرنگار و رسانه از تعقیب نیز موضوع دیگری است که احترام به آن می‌تواند به افزایش شجاعت خبرنگاران و نظارت دقیق‌تر آنان بر فعالیت‌های اقتصادی منجر شود. این توقع که خبرنگار صرفاً باید خبری را که صحت آن تأیید شده است، گزارش و منتشر کند توقع به جایی نیست، چراکه در تعریف خبر، امکان و احتمال صدق و کذب عنصر مهمی محسوب می‌شود. خبرنگاری که به هر ترتیبی به یک خبر دسترسی پیدا کرده است، به‌هیچ‌وجه نباید به دلیل کذب بودن آن خبر محاکمه شود. ممکن است برخی خبرنگاران و خبرگزاری‌ها با سوءنیت و با قصد ایجاد ضرر اقدام به انتشار خبری کنند که کذب باشد. به عقیده نگارنده در این مورد نیز نباید خبرنگار تحت پیگرد قرار گیرد، چراکه با اعلام کذب بودن خبر توسط رسانه‌های مستقل می‌توان با آن مقابله کرد و مداخله کیفری نیاز نیست. با این حال اگر نظام کیفری تصمیم بر مداخله در این موارد دارد نباید تا زمان اثبات کذب بودن خبر و اثبات سوءنیت خبرنگار وی را تحت پیگرد قرار دهد. در واقع رسانه نباید صحت خبر خود را به اثبات رساند، بلکه نظام قضایی باید عدم صحت خبر را اثبات کند. آزادی و مصونیت خبرنگار سبب می‌شود تا بدون واهمه از پیگرد قضایی و بدون احساس فشار از سوی صاحبان قدرت و نفوذ رسالت نظارتی خود را به نمایندگی از جامعه به انجام رساند. دسترسی آزاد به اطلاعات نیز یکی دیگر از اصولی است که موجب می‌شود نظارت جامعه‌ای از طریق مطبوعات گسترش پیدا کند. «امروزه در اکثر کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه خبرنگاران با استفاده از قانون دسترسی آزاد به اطلاعات، امکان دستیابی به اطلاعات مالی اشخاص و ارگان‌های دولتی و حاکمیتی را دارا می‌باشند و از این طریق امکان کشف حقیقت و مبارزه با فساد پیدا می‌کنند» (نظام براتی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۳۵). پیشتر

درباره ایرادات قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات توضیحاتی ارائه شد. به طور کلی باید گفت دسترسی آزاد خبرنگار به اطلاعات یکی از بدیهی‌ترین حقوق شهروندی مردم است. در واقع دسترسی خبرنگار به موضوعات مهم اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نباید نیازمند مصوبه قانونی باشد، بلکه حمایت از این حق مستلزم تصویب قانون است.

۶. نتیجه

نظام اقتصادی ایران یک نظام اقتصادی بسته و امنیت‌محور است. بدین مفهوم که نوع و نحوه اتخاذ سیاست‌های اقتصادی صرف‌نظر از متغیرها و مؤلفه‌های اقتصادی بسیار وابسته به نوع ملاحظات سیاسی و امنیت در کشور است. این مسئله موجب شده است تا بسیاری از ابزار و تدابیر مورد استفاده در حفظ نظم اقتصادی، از امور حاکمیتی تلقی شده و جامعه از دامنه آن حذف شود. نظارت پیشگیرانه یکی از این تدابیر است که ظرفیت جامعه ایران به طور مشخص در ارتباط با آن و متناسب با میزان دخالت دولت در فعالیت‌های اقتصادی نادیده گرفته شده است. منابع قانونی نظارت نیز بیشتر متمرکز بر نهادهای نظارتی دولتی بوده است، دولتی که خود مجری بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی است. جامعه ایران از یک طرف با نظام اقتصادی بسته‌ای مواجه است که به سبب وابستگی نظارت به دولت به صورت مستمر و فزاینده به بستری جرم‌زا تبدیل شده و از طرف دیگر به سبب نبود سازوکارهای مناسب نظارت توسط جامعه بر فعالیت‌های اقتصادی (اعم از دولتی یا بخش خصوصی) عملاً تدابیر جامعه‌ی نیز امکان ظهور و بروز نخواهند داشت. در چنین فضایی قابل‌انتظارترین رویداد افزایش نرخ جرایم اقتصادی و فساد است. بر این اساس لازم است بر اساس نوع نظام اقتصادی، ضمن شناسایی ظرفیت جامعه برای اصلاح فرآیندهای معیوب حاکمیت، ظرفیت‌های لازم را به صورت واقعی برای نظارت جامعه ایجاد و این روش از نظارت را تا زمان اصلاح ساختارهای اقتصادی به صورت مداوم تقویت کرد.

منابع

الف) فارسی

۱. احمدی، علی‌اکبر؛ همایونی، غلامحسین و عسگری ده‌آبادی، حمیدرضا (۱۳۹۴). *فساد اداری و مالی در سازمان‌های امروزی*. تهران: فوژان.
۲. توسلی‌زاده، توران (۱۳۸۹). *پیشگیری از جرایم اقتصادی در سیاست جنایی ایران و اسناد سازمان ملل متحد*. رساله دکتری، دانشگاه تهران.
۳. حاجی ده‌آبادی، محمدعلی و سلیمی، احسان (۱۳۹۸). *مبانی، اصول و سازکارهای اجرایی مدل کیفی‌گذاری هدفمند. پژوهش حقوق کیفری (۲۹)*، ۱۳۱-۱۳۴.
۴. درگاهی، مهدی (۱۳۹۵). *قاعده حفظ نظام و حریم خصوصی افراد. پژوهش‌های حفاظتی و امنیتی (۱۹)*، ۷۱-۹۰.

۵. دلماس مارتی، مری (۱۳۹۳). *نظام‌های بزرگ سیاست جنایی*. برگردان: علی حسین نجفی ابرندآبادی، چ دوم، تهران: میزان.
۶. شرف، رهام (۱۳۹۴). پاسخ آبن رند به تعارض میان قانون و آزادی‌های فردی، حکمت معاصر(۴)، ۱۱۷-۱۳۳.
۷. ضیایی‌پور، حمید و عقیلی، سیدوحید (۱۳۸۸). بررسی نفوذ شبکه‌های اجتماعی مجازی در میان کاربران ایرانی. *رسانه(۸۰)*، ۲۳-۴۲.
۸. فکوهی، ناصر (۱۳۸۶). فساد و رسانه‌ها در عصر انقلاب اطلاعاتی: افشای فرایندهای فسادانگیز. *اطلاعات حکمت و معرفت(۴)*، ۲۹-۳۵.
۹. قناده، فاطمه و اکبری، مسعود (۱۳۹۶). امنیت‌گرایی سیاست جنایی. *پژوهش حقوق کیفری(۱۸)*، ۳۹-۶۷.
۱۰. عالی‌پور، حسن (۱۳۹۲). امنیت ملی و عدالت کیفری. *مطالعات راهبردی(۶۱)*، ۵۷-۸۸.
۱۱. عالی‌پور، حسن (۱۳۸۸). امنیت ملی و حقوق متهم؛ مطالعه تطبیقی آئین دادرسی در قبال اقدامات تروریستی. *مطالعات راهبردی(۴۳)*، ۴-۴۴.
۱۲. غلامی، حسین و رحمانی، محمد (۱۳۹۶). مختصات تئوریک سیاست جنایی حکومت جمهوری اسلامی ایران (تحلیل مبانی، اصول و مدل‌بندی در مقام تئوری). *پژوهش حقوق کیفری(۱۸)*، ۹-۳۸.
۱۳. لازرژ، کریستین (۱۳۹۵). *درآمدی بر سیاست جنایی*. برگردان علی نجفی ابرندآبادی، تهران: میزان.
۱۴. منیری‌فر، سارا؛ اسماعیلی، رضا؛ حقیقتیان، منصور و ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۹۶). مطالعه جامعه‌شناختی محله‌محوری و مشارکت اجتماعی. *مطالعات علوم اجتماعی(۵۴)*، ۹۲-۱۰۲.
۱۵. ناصری، ناهید؛ سلیمی، صادق و شامبیاتی، هوشنگ (۱۴۰۰). نقش سازمان‌های غیردولتی مبارزه با فساد در پیشگیری از فساد در ایران. *مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی*، ۹(۱۷)، ۷۵-۱۰۱.
۱۶. نظام‌براتی، امیر؛ زارعی، محمدحسین و مسعود، غلامحسین (۱۳۹۶). بررسی عملکرد نهادهای حاکمیتی تخصصی در مبارزه با مفاصد اقتصادی از منظر فلسفه انقلاب اسلامی. *پژوهش‌های انقلاب اسلامی(۲۲)*، ۳۰۵-۳۵۲.
۱۷. نقی‌پور نصیرآبادی، عباس و عالی‌پور، حسن (۱۴۰۱). ماهیت نظام اقتصادی و نظارت پیشگیرانه؛ نسبت‌سنجی در پیشگیری از جرایم اقتصادی در ایران. *پژوهشنامه حقوق کیفری(۲۶)*، ۲۷۱-۲۹۵.
۱۸. نقی‌پور نصیرآبادی، عباس(۱۴۰۱). نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی در سیاست جنایی ایران، رساله برای اخذ درجه دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران.
۱۹. نورزاد، مجتبی (۱۳۸۹). *جرایم اقتصادی در حقوق کیفری ایران*. چ اول، تهران: جنگل.
۲۰. وحیدی، عبدالملک؛ شیداییان، مهدی و میرخلیلی، سیدمحمود (۱۴۰۰). مبانی و جلوه‌های قرآنی سیاست جنایی مشارکتی. *پژوهش‌های حقوق کیفری(۳۴)*، ۳۱-۶۱.

(ب) انگلیسی

21. Bouville, M. (2008). *Whistle-blowing and morality*. *Journal of business ethics*, 81(3), 579-585.
22. Brunetti, A., & Weder, B. (2003). *A free press is bad news for corruption*. *Journal of Public economics*, 87(7-8), 1801-1824.
23. Chêne, M., Dell, G., & Hodess, R. (2008). *UNCAC and the participation of NGOs in the fight against corruption*.
24. Jarosz, K. (2015). *Roşia Montană in Romania: Roman gold mines and the power of protests*. *Journal of Community Archaeology & Heritage*, 2(1), 57-71.
25. Luo, J. (2020). *State of the World: Democracy's Impact on Social and Economic Development*.

26. Margarit, D. (2015). *Ideology and social movements. A comparative analysis of the 2013 protests in Bulgaria, Hungary and Romania. Social Movements in Central and Eastern Europe. Dynamics of protest*, 25, 63-76.
27. Miceli, M. P., Rehg, M., Near, J. P., & Ryan, K. C. (1999). *Can laws protect whistle-blowers? Results of a naturally occurring field experiment. Work and occupations*, 26(1), 129-151.
28. Munck, G. L. (2016). *What is democracy? A reconceptualization of the quality of democracy. Democratization*, 23(1), 1-26.
29. Parent, W. A. (1983). *A new definition of privacy for the law. Law and Philosophy*, 2(3), 305-338.